

ریشه ظهور داعش: یک مدل نظری

امیر محمد حاجی یوسفی^۱، راضیه شمس‌فر^۲، رضا خراسانی^۳

^۱دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

^۲کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی تهران

^۳دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران

چکیده

داعش به عنوان نمایی نو از بنیادگرایی اسلامی افراطی، جنایات بسیاری را در مناطق مختلف به بهانه‌ی احیای خلافت اسلامی مرتکب شده و به عنوان یک بازیگر موثر در روابط بین‌الملل، نقش فزاینده‌ای را در معادلات بین‌المللی کنونی ایفا کرده است. هدف پژوهش، بررسی عوامل داخلی و خارجی ظهور داعش است. فرضیه‌ی پژوهش این است که داعش یک گروه خشونت‌زای سیاسی حاصل از عوامل داخلی (نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی یا نبود دموکراسی) است که توسط عوامل خارجی (قدرت بزرگ امریکا) تقویت شده است. نوع پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد منطقه‌ی خاورمیانه دارای اعتبارات مهمی همچون نیروی انسانی، تمدن اسلامی، موقعیت ژئوپلیتیک و منابع طبیعی است که دول منطقه نتوانسته‌اند این اعتبارات را مدیریت کنند و تنها از منابع طبیعی در این منطقه استفاده کرده‌اند که این خود اقتدارگرایی دولت‌ها در خاورمیانه را نهادینه کرده و نهایتاً نبود دموکراسی و توسعه نامتوازن اقتصادی را به دنبال داشته و این موجب محرومیت ذهنی و عینی نیروی انسانی در ابعاد مختلف و در نهایت نارضایتی و تولید، حمایت، تقویت و هدایت داعش شده است. ما، برای رسیدن به این یافته‌ها، از ترکیب سه نظریه «محرومیت نسبی»، «دولت-ملت‌سازی ناقص»؛ «برخورد تمدن‌ها» و معرفی چارچوب مفهومی نوین «اعتبار؛ اعتماد؛ تعامل» استفاده کرده‌ایم.

واژگان کلیدی: ریشه داعش، محرومیت نسبی، رویکرد دولت-ملت‌سازی ناقص، نظریه برخورد تمدن‌ها، چارچوب مفهومی اعتبار؛ اعتماد؛ تعامل.

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صفحات ۲۱۱-۲۲۷